

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متون فقه پیشرفته (۱)

(بخش معاملات)

مخصوص دکتری نیمه متمرکز حقوق خصوصی

شامل:

درسنامه

ترجمه لغات خاص

نکات مهم و کلیدی

اشاره به ضمایر و اصطلاحات خاص آزمونی

سوالات دکتری (۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰)

به کوشش:

دپارتمان تخصصی دکتری حقوق خصوصی



گوشزد: این فایل جهت نمونه ارائه شده است لذا سال و قیمت ندارد و برای اطلاع از آخرین ورژن چاپ شده و قیمت اخیر کتاب بایستی به سایت (قسمت معرفی کتاب) مراجعه نمایید.

سرشناسه: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق خصوصی

عنوان: متون فقه پیشرفته (جلد اول)

مشخصه نشر: تهران، انتشارت عدلیه،

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص / جدول / تصویر.

نوبت ویرایش:

موضوع: فقه معاملات - متون فقه دکتری - درسنامه پیشرفته

شناسه افزوده: دین - رهن - ضمان - شرکت - مضاربه - ودیعه - عاریه - حواله

شناسه افزوده: شهید اول - شهیدثانی - مرحوم کلانتر - شیخ طوسی - علامه حلی

شناسه افزوده: محقق حلی - آیت الله خویی - شیخ مفید - علامه حلی - محقق حلی - ابن ادریس

شناسه افزوده: علی شیروانی - حمید مسجد سرای - عباس زراعت - اسدالله لطفی - حسن تبریزی قاروبی

شناسه افزوده: لمعه دمشقیه - ترجمه و تبیین تحریر الروضه - شرح کلانتر - شرایع الاسلام - نهاییه - خلاف - متون فقه استدلالی

شناسه افزوده: آزمون دکتری نیمه متمرکز

عنوان: متون فقه پیشرفته (جلد اول)

ناشر: تهران، انتشارت عدلیه، ...

نوبت چاپ: اول (ویرایش اول)

به کوشش: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق خصوصی

ناظر: ابوالقاسم شم آبادی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

بهاء:

تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۲۱۰۰۲

۰۲۱-۶۶۵۸۱۷۴۸

آدرس انتشارات:

تهران - انقلاب - جمالزاده جنوبی - ساختمان ۱۴۰ - پلاک ۹۴ - واحد ۱۷ - طبقه ۴

Email: nashreadliye@gmail.com

http://www.adlpub.com

کانال تلگرام عدلیه را در گوشی خود دنبال کنید:

کانال دکتری حقوق

https://t.me/PHDdoktori

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فقط اخلاق است که باعث احترام به حقوق معنوی می شود.

عناوین مختصر فصول:

مقدمه ۵

بخش اول: در سنامه تفسیری تحلیلی ۷

دین: ۸

رهن: ۳۶

حجر: ۷۱

ضمان: ۸۰

حواله: ۹۵

کفاله: ۱۰۵

صلح: ۱۱۷

شرکت: ۱۳۳

مضاربه: ۱۴۲

ودیعه: ۱۵۲

عاریه: ۱۶۸

بخش دوم: خلاصه نکات مهم تحریرالروضه: ۱۷۷

بخش سوم: لغات مهم و کاربردی: ۱۹۷

بخش چهارم: آزمونهای دکتری (۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰): ۲۰۷

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۰: ۲۰۸

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۱: ۲۱۰

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۲: ۲۱۸

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۳: ۲۲۶

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۴: ۲۳۵

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۵: ۲۵۱

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۶: ۲۶۱

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۷: ۲۷۳

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۸: ۲۸۴

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۳۹۹: ۲۹۵

آزمون دکتری نیمه متمرکز ۱۴۰۰: ۳۰۵

مقدمه

متون فقه معاملات یکی از دروس تخصصی آزمون دکتری حقوق خصوصی است که ضریب آن در آزمون دکتری ۴ می‌باشد. (همانطور که می‌دانید دروس تخصصی شامل متون فقه بخش معاملات - حقوق تجارت و حقوق مدنی است که ضریب هر یک از آنها ۴ می‌باشد. ضریب دروس عمومی زبان و استعداد تحصیلی نیز ۱ است.)

با اینکه داوطلبان شاخه دکتری حقوق خصوصی در درس متون فقه بسیار ضعیف هستند و غالباً این درس پاشنه آشیل داوطلبان دکتری حقوق خصوصی محسوب می‌شود؛ اما چنانچه داوطلبی اراده مطالعه به صورت منظم و مستمر داشته باشد؛ خواهد توانست بسیاری از تست‌های این درس را در روز آزمون دکتری صحیح بزند و رتبه خوبی برای خود به ارمغان آورد و در نهایت رتبه خوب در آزمون دکتری نیمه متمرکز حقوق خصوصی باعث گذر بی‌دغدغه از مصاحبه دکتری خواهد بود. در آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۹۹ حدود ۶ هزار داوطلب، در این شاخه شرکت کرده بودند که در نهایت حدود ۹۰۰ نفر از این تعداد در دانشگاه‌های مختلف سراسری و آزاد مورد پذیرش نهایی قرار گرفتند؛ (حدوداً از هر ۶ داوطلب ۱ نفر پذیرفته نهایی در آزمون دکتری سال ۹۹ شد.)

اما در خصوص متون فقه بخش معاملات: مهمترین مباحثی که در بین سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰ از آنها در دکتری سوال آمده است عبارت است از: **مباحث متاجر، نکاح، دین، رهن، شرکت، اجاره، جعاله، ضمان، وکالت، جعاله، طلاق، وصیت و**

ارث

در سالهای قبل از ۱۳۹۵ سوالات دکتری بیشتر به صورت نکته‌ای بود و کمتر به مباحث فنی مانند ضمائر، بررسی اصول، قواعد، نظریات فقهی به غیر از شهید اول و شهیدثانی پرداخته شده است. بنابراین در سالهای اخیر سوالات معاملات بیشتر رنگ تفسیری به خود گرفته و معمولاً از جایی سوال می‌دهند که در کتبی مانند فقه استدلالی (که بیشتر مباحث مبتلا به فقه موضوعه) را آورده) مورد اشاره قرار نگرفته است.

کتاب پیشرفته متون فقه خصوصی که مخصوص آزمون دکتری نیمه متمرکز حقوق کار کار شده است؛ مطالبی بسیار کامل و کاربردی را برای آزمون دکتری آورده است. این کتاب:

هم به صورت تفسیری است (یعنی به نظرات شاذ - قول قیل - نظرات فقهای امامیه مانند شیخ طوسی، محقق حلی اشاره شده است) و در نهایت شهید ثانی نظر آخر را ارائه داده است.

هم به صورت فنی مورد بررسی قرار گرفته است؛ به این صورت که به مباحث، قواعد عربی کلمات و افعال نیز توجه شده است. و هم اینکه به صورت کاربردی برای آزمون دکتری حقوق خصوصی کار شده و سوالات دکتری و یا آزمونی مهم در آخر هر مبحثی آورده شده است.

و در نهایت لغات مهمی که برای آزمون مورد نیاز بوده در آخر هر مبحث مورد اشاره قرار گرفته است.

چنانچه سوالات دکتری حقوق خصوصی سال ۱۴۰۰ و سالهای قبل را بررسی کرده باشید متوجه می‌شوید که برخی از سوالات متون فقه از شرح مرحوم کلانتر آمده است و برخی هم از دوره تفسیری ۱۵ جلدی تحریرالروضه تفسیری که دکتر شیروانی آن را ترجمه کرده است.

بنابراین ما تالیف کتاب پیشرفته دکتری حقوق خصوصی را بر پایه این دو کتاب بنا نهاده (یعنی شرح کلانتر و کتاب ترجمه و تبیین تحریرالروضه که در ۱۵ جلد توسط علی شیروانی ترجمه شده است) و در طی نگارش کتاب از منابع دیگری نیز بهره برداری کرده ایم که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

دوره دو جلدی لمعه دمشقیه با ترجمه شیروانی

دوره ۶ جلدی متون فقه ترجمه عباس زراعت

دوره ۹ جلدی نموداری حمید مسجدسرای

کتاب تحریرالروضه امینی و آیتی

کتاب مباحث حقوقی شرح لمعه اسدالله لطفی

دوره دو جلدی لمعه دمشقیه نشر دانشگاه تهران

دوره ۴۲ جلدی النضید تالیف حسن قاروبی تبریزی

به دلیل اینکه سوالات دکتری متون فقه از نظرات و منابع مهمی که در اینجا اشاره گردید می آید بنابراین با بررسی ای که از سوالات آزمون دکتری حقوق خصوصی صورت گرفت؛ بیشتر از این نیازی نبوده تا منابع دیگر و نظریات فقهای معاصر مورد بررسی قرار گیرد.

ناگفته نماند برای اینکه این کتاب حرف آخر را در بحث دکتری حقوق خصوصی (بخش معاملات) بزند کتب متون فقه انتشارات‌ها و موسسات آزمونی را نیز مورد بررسی قرار دادیم که به هر حال اگر نکته ای داشتند آنها را مورد استناد قرار دهیم! اما در مورد این کتاب؛

کتاب پیشرفته متون فقه دکتری حقوق خصوصی از دو جلد تشکیل یافته که **جلد اول** آن شامل مباحث: دین، رهن، حجر، حواله، ضمان، شرکت، ودیعه، عاریه، مضاربه می‌باشد و **جلد دوم** آن شامل مباحث: متاجر، طلاق، غصب، وصیت، جعاله، وکالت و اجاره، وصیت، ارث و... است. از داوطلبان دکتری حقوق خصوصی یک درخواست داریم؛ اینکه این کتاب هنوز چاپ اول خود را می‌گذارند و ممکن است در لابه لای مباحث با ایرادات جزئی همراه باشد؛ در صورت مشاهده لطفا ما را از موضوع مطلع نمایید.^۱

دپارتمان دکتری حقوق خصوصی

بخش اول:

درسنامه تفسیری تحلیلی

باب اول:
الدين

متن

الدین (۱) و هو قسمان:

القسم الاول - القرض (۲) بفتح القاف وكسرها وفضله (مرجع ضمير: القرض) عظيم الدرهم منه (مرجع ضمير: القرض) ثمانيه عشر درهما مع أن درهم الصدقه بعشره قيل والسرفيه:

الف- أن الصدقه تقع في يد المحتاج وغيره، والقرض لا يقع إلا في يد المحتاج غالباً

ب- وأن درهم القرض يعود فيقرض ثانياً ودرهم الصدقه لا يعود.

واعلم أن القرض لا يتوقف على قصد القربه، ومطلق (۳) الثواب يتوقف عليها (مرجع ضمير: قصد القربه)، فليس كل قرض يترتب عليه الثواب، بخلاف الصدقه فإن القربه معتبره فيها (مرجع ضمير: صدقه) (۴)

ترجمه

دین بر دو قسم است:
قسم اول:

قرض به فتحه و یا کسره قاف^۱ (قرض دادن) ثواب زیادی دارد و [در روایات آمده است که: [ثواب یک درهم قرض دادن، برابر هجده درهم است؛ با وجود این که ثواب یک درهم صدقه برابر ده درهم، می باشد. برخی از علما گفته اند: سر این که قرض دادن ثواب بیشتری از صدقه دادن دارد] دو چیز است]:

الف - صدقه هم در دست نیازمندان قرار می گیرد و هم [گاهی مواقع] به دست شخص غیر نیازمند می رسد، در حالی که قرض غالباً به دست نیازمند آن می رسد.

ب - یک دره می که قرض داده می شود دوباره [به دست قرض دهنده] **برمی گردد** و دوباره [به کسی دیگری] قرض داده می شود، در حالی که یک دره می که صدقه داده می شود دیگر [به دست صدقه دهنده] **بر نمی گردد**.

باید دانست که **قرض، نیاز به قصد قربت ندارد** [و بدون قصد قربت نیز صحیح است] در حالی که هر ثوابی، موقوف به داشتن قصد قربت است؛ پس چنین نیست که هر قرضی دارای ثواب باشد، برخلاف صدقه [که مانند قرض نیست] زیرا قصد قربت داشتن، شرط [برای صحت] صدقه می باشد؛

پاورقی

پاورقی ۱: کلانتر: تعریف قرض: ما تعطی من المال لغيرك بشرط أن يعيده لك باجل: آنچه به دیگری داده می شود؛ با این شرط که آن را بعد از مدتی (به شما) برگرداند.

پاورقی ۲: یحتمل قویا ان تكون الواو حالیه والجمله منصوبه محلا. والمعنی أن القرض لا يتوقف على قصد القربه، والحال أن مطلق الثواب متوقف على قصد القربه فی کل عمل قربي: به احتمال قوی کلمه (و) واو حالت باشد و جمله منصوب محلاً و معنی اش این است که قرض بر قصد قربت نیاز ندارد و حال آنکه مطلق ثواب موقوف بر قصد قربت در هر عملی است که نیاز به قصد قربت دارد.

پاورقی ۳: شرح کلانتر: ای أن القربه مأخوذه فی مفهوم الصدقه، وانها من مقوماتها، وحيث لا توجد لا توجد الصدقه: قصد قربت داشتن در مفهوم صدقه قابل اخذ است بلکه قصد قربت تشکیل دهنده آن است و اگر قصد قربتی نباشد؛ صدقه صورت نمی گیرد.

پاورقی ۴: شرح کلانتر: ای اعطاه مالا إلى اجل واقرضه. فهو دائن. وذلك مدین ومدیون: دین یعنی اعطای مالی برای مدتی جهت قرض. که او دائن و دیگر مدیون محسوب می شود.

نکات

نکته: قرض، نیاز به قصد قربت ندارد [و بدون قصد قربت نیز صحیح است] در حالی که هر ثوابی، موقوف به داشتن قصد قربت است، پس چنین نیست که هر قرضی دارای ثواب باشد، برخلاف صدقه [که مانند قرض نیست] زیرا قصد قربت داشتن، شرط [برای صحت] صدقه می باشد؛ پس این که به طور مطلق گفته شد که ثواب یک درهم قرض، **هجده برابر** می باشد.

نکته: صدقه هم در دست نیازمند و هم غیر نیازمند قرار می گیرد، اما قرض در دست افراد نیازمند قرار می گیرد.

نکته: کلمات مبنی که حرکت حرف آخر آنها تغییر نمی کند دارای اعراب محلی هستند. یعنی اگر کلمه مبنی در حالت رفع قرار گیرد، می گوئیم محلاً مرفوع است و اگر در حالت نصب قرار گیرد، می گوئیم محلاً منصوب است:

مثال: رفع: هذا کتاب. (مبتدا، محلاً مرفوع) «اعراب محلی»

نصب: إشتريت هذا الكتاب. (مفعول به، محلاً منصوب) «اعراب محلی»

نکته: به قرض دهنده **مقرض** و به قرض گیرنده **مقترض** می گویند.

متن

فإطلاق كون درهم القرض بثمانية عشر:
[توجيه اول:] إمام مشروط بقصد القرية
[توجيه دوم:] أو تفضل من الله تعالى من
 غير اعتبار الثواب بواسطة الوجهين (۱)،
 وقد يقع التفضل على كثير من فاعلي البر
 من غير اعتبار القرية كالكرم.
 ويفتقر القرض إلى إيجاب وقبول. (والصيغة
 اقرضتك، أو انتفع به، أو تصرف فيه)، أو
 ملكتك أو أسلفتك، أو خذ هذا، أو إصرفه
 (وعليك عوضه)، وما أدى هذا المعنى، لانه
 من العقود الجائزة،
 وهي لا تنحصر في لفظ، بل تتأدى بما أفاد
 معناها (مرجع ضميرها: عقود جازية)،
 وإنما يحتاج إلى ضميمه (وعليك عوضه) ما
 عدا الصيغة الأولى فانها صريحة في معناه
 لا تقتصر إلى انضمام أمر آخر

پاورقی

پاورقی ۱: شرح کلانتر: وهما:
الف - أن درهم الصدقة يقع في يد المحتاج
وغيره. والقرض لا يقع إلا في يد المحتاج غالباً:
 صدقه هم در دست نیازمند آن قرار می گیرد و هم
 [گاهی مواقع] به دست شخص غیر نیازمند می رسد در
 حالی که قرض غالباً به دست نیازمند آن می رسد.
ب - و أن درهم القرض يعود فيقرض ثانياً،
بخلاف درهم الصدقة فإنه لا يعود: یک درهمی که
 قرض داده می شود دوباره [به دست قرض دهنده]
 برمی گردد و دوباره [به کسی دیگری] قرض داده
 می شود، در حالی که یک درهمی که صدقه داده می
 شود دیگر [به دست صدقه دهنده] بر نمی گردد.

.....

ترجمه

پس این که به طور مطلق گفته شد که ثواب یک درهم قرض، **هجده برابر می باشد:** [توجیه اول:] یا مشروط به این است که قرض با قصد قربت باشد. [توجیه دوم:] یا این که بگوییم ثواب مذکور، تفضل از ناحیه خداوند است؛ به واسطه آن دو جهتی که بیان شد [مورد الف و ب] بدون این که استحقاق ثواب، شرط باشد و چه بسا تفضل الهی شامل بسیاری از نیکوکاران می شود بدون آن که قصد قربت در عمل آنان شرط باشد، مانند سخاوت. [از آنجایی که قرض از جمله عقود است] **نیاز به صیغه ایجاب و قبول دارد؛** صیغه ایجاب [توسط قرض دهنده] چنین است:
 ۱- «أقرضتك» [به تو فلان چیز را قرض دادم]
 ۲- یا «انتفع به و عليك عوضه» [از فلان مال نفع ببر و عوض آن بر عهده توست]
 ۳- یا «تصرف فيه و عليك عوضه» [در فلان مال تصرف کن و عوض آن بر عهده توست که پردازی]
 ۴- یا «ملكتك هذا المال و عليك عوضه» [فلان مال را به تو تملیک کردم و عوض آن بر عهده توست].
 ۵- یا «أسلفتك هذا المال و عليك عوضه» [فلان مال را از پیش به تو دادم و عوض آن بر عهده توست که بعداً پردازی]
 ۶- یا «خذ هذا و عليك عوضه» [این مال را بگیر و عوض آن بر عهده توست]
 ۷- یا «أصرفه و عليك عوضه» [این مال را صرف کن و عوض آن بر عهده توست] و هر لفظ دیگری که معنای قرض را برساند [می تواند به عنوان صیغه ایجاب توسط قرض دهنده به کار رود]، زیرا قرض از جمله عقود جازیه است و عقود جازیه، منحصر به لفظ خاصی نیست، بلکه با هر لفظی که معنای عقد جازیه را برساند تحقق می یابد. در سایر صیغه های ایجاب، به جز صیغه اول [یعنی «أقرضتك»] لازم است که جمله «و عليك عوضه» اضافه شود، اما صیغه اول به طور صراحت بر قرض دلالت دارد و نیاز به افزودن جمله دیگری به آن نیست. (مهم)

نکات

نکته: در روایات آمده است که **ثواب یک درهم قرض دادن برابر هجده درهم است** با وجود اینکه ثواب **یک درهم صدقه برابر ده درهم است.**

.....

لغات مهم مبحث دین

اِحْتِطَاب: جمع کردن هیمه

الِاتِّهَاب: هیزم

يَدْخِر: کنار گذاشتن - مثال: و لا يدخر للموجلة التي لم تحل حالة القسمة الشيء: برای دیون مدت‌داری که در زمان تقسیم، سررسیدشان نرسیده است، چیزی کنار گذاشته نمی‌شود.

التاوی: تالف - یا تلف شده - تاوی از ریشه توی یتوی است.

مثال: لا يُصح قِسْمَةُ الدین بل الحاصل لهما و التاوی منهما:

تقسیم دین میان شرکاء صحیح نیست زیرا حاصل و تالف متعلق به هر دو است.

يُصح بيع الدين بحال لا بموج: بیع کالی به کالی جایز

نیست.

و

و

و

و

و

و

.....و

لغات مهم مبحث دین

صیغه‌های قرض برای قرض‌دهنده: اقرضتک: به تو قرض دادم - انتفع

به: از این بهره مند شو - تصرف فیه: در آن تصرف کن - علیک عوضه: در برابر عوض آن بر عهده تو باشد.

صیغه‌های قرض گیرنده: قبلت و شبهه: قبول کردم و همانند آن - ضمنا قرض از عقود جایز و منحصر به لفظ خاصی نیست.

تفلیس: ورشکستگی

مال سلم: مالی که قبل از اینکه به فروش برسد ابتدا پولش دریافت شده و

قرار بوده بعدا تحویل داده شود؛ به عبارت دیگر همان مال پیش فروش را می‌گویند.

کالسمن و طول: چاقی و بزرگ شدن در اندازه

و

و

و

و

و

و

و

و

.....و

تست و خودسنجی:

۱. سوال دکتری سال ۹۹: مقصود از «کونه مشخصاً و مضموناً» در عبارت زیر چیست؟

«لا فرق بیع الدین بالحال بین کونه مشخصاً و مضموناً للاصل و عدم صدق اسم الدین علیه»

(۱) عین معین یا کلی بودن ثمن

(۲) معلوم و معین بودن ثمن

(۳) عین معین یا کلی بودن مبیع

(۴) معلوم و معین بودن مبیع

پاسخ تشریحی: ولا فرق فی بیعه بالحال بین کونه مشخصاً و مضموناً علی الاقوی، للاصل، وعدم صدق

اسم الدین علیه، (لا بمؤجل) لانه بیع دین بدین: در

فروختن دین به ثمن نقد، فرقی نیست بین این که ثمن، معین باشد [مانند این که علی، یک کیلو گندمی را که از محمد طلب دارد به صد تومانی که در دست محمد است بفروشد] و یا این که ثمن مذکور، کلی در ذمه باشد طبق نظریه قوی تر. دلیل:

اولاً - اصله العموم اقتضا می کند [تا فروختن دین به ثمنی که کلی در ذمه است صحیح باشد]. ثانیاً - به ثمنی که کلی در ذمه است اسم دین، صدق نمی کند [تا این که بیع دین به دین شود که به اجماع فقها باطل است]. حالت دوم (حالت اول: فروختن دین به ثمنی که نقد است صحیح می باشد): به ثمنی که مدت دار (مؤجل) است: صحیح نمی باشد. دلیل: زیرا چنین بیعی، بیع دین به دین می شود [که به اجماع فقها باطل است].

گزینه ۱ صحیح است.

۲. سوال شبیه ساز: کدام مورد، صحیح است؟

(۱) یصح بیع الدین بحال، کان الدین حالا ام موجلاً.

(۲) یصح بیع الدین بحال، اذا کان الدین موجلاً.

(۳) یصح بیع الدین بحال، اذا کان الدین حالا.

(۴) یصح بیع الدین بحال، ام بموجل.

پاسخ تشریحی: بیع دین به حال: یصح بیعه بحال و ان

لم یقبض من المدیون و غیره حالا، کان الدین أم

موجلاً و لا یمنع تعذر قبضه حال البیع من صحه لأن

الشرط امکانه فی الجملة لاحاله البیع و لا بموجل لانه

بیع دین:

بیع دین به نقد صحیح است هر چند آن را قبض نکند خواه دین را به مدیون یا به دیگری بفروشد و خواه زمان پرداخت دین فرا رسیده باشد یا مدت آن باقی باشد البته عدم امکان دریافت دین در هنگام وقوع عقد مانع از صحت بیع نیست چرا که شرط صحت معامله این است که بیع فی الجملة قابل تسلیم باشد؛ اما فروش دین به ثمن موجل باطل است چرا که این حالت مصداق بیع کالی به کالی خواهد بود.

گزینه ۱ صحیح است.

و

و

.....و

تست و خودسنجی:

۱. سوال دکتری سال ۹۴: در خصوص قرض، کدام مورد صحیح است؟

(۱) یصح بیع الدین بمؤجل

(۲) لا یلزم اشتراط الاجل فیه

(۳) یملك المقترض القرض بالتصرف

(۴) کلاً لا یتساوی اجزاؤه ثبتت قیمتته یوم الاداء

پاسخ تشریحی: لا یلزم اشتراط الاجل فیه لا له و لا لغيره لأنه عقد

جائز: شرط کردن مدت در قرض الزام آور نیست نه برای قرض دهنده و نه

برای غیر او چرا که قرض از عقود جایز است. نعم لو شرط أجل القرض

فی عقد لازم لزم: البته اگر مدت قرض در یک عقد لازم شرط شود الزام

آور خواهد بود.

گزینه ۲ صحیح است.

و

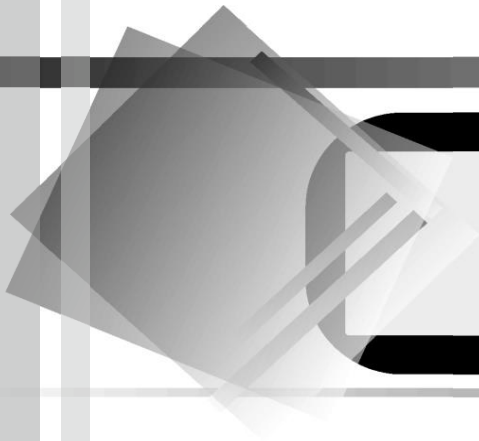
و

و

و

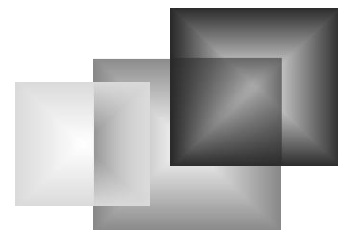
و

.....و



بخش دوم:

خلاصه نکات مهم تحریر الروضه



دین

- ۱- و لا يجوز اشتراط النفع، للنهي عن قرض يجز نفعاً، فلا يفيد الملك لو شرطه.
 شرط کردن نفع در ضمن قرض جایز نیست، زیرا از قرضی که باعث جلب منفعتی گردد نهی شده است، از این رو اگر چنین چیزی را شرط کند، آن قرض ملکیت آور نمی‌باشد.
- ۲- وإنما يصح إقراض الكامل على وجه يرتفع عنه الحجر في المال.
 تنها قرض دادن و قرض گرفتن شخصی که دارای اهلیت است به گونه ای که نسبت به اموال، محجور نمی‌باشد، صحیح است.
- ۳- كل ما تتساوى أجزاءه في القيمة و المنفعة و تتقارب صفاته كالحبوب يثبت في الذمة مثله.
 هر چیزی که اجزای آن در قیمت و منفعت، مساوی و صفات آن به هم نزدیک است. مانند حبوبات، پس از قرض، مثل آن بر ذمه ثابت می‌شود.
- ۴- و لا يتساوى أجزاءه كالحيوان تثبت قيمته يوم القبض لأنه وقت الملك.
 و چیزی مانند حیوان که اجزایش مساوی نمی‌باشد، قیمت روز تحویل گرفتن آن بر ذمه ثابت می‌گردد، زیرا در این زمان، مورد قرض به ملکیت قفترض در می‌آید.
- ۵- و بالقبض يملك المقترض القرض على المشهور و حيث قلنا يملكه بالقبض، فله ردّ مثله مع وجود عينه و إن كره المقرض.
بنا بر نظر مشهور، مقترض با قبض، مالک مورد قرض می‌شود، نه با تصرف بنابراین که به ملکیت مقترض به سبب قبض قائل شویم، او می‌تواند علیرغم موجود بودن عین مال، مثل آنرا ردّ نماید، اگر چه قرض دهنده رضایت ندهد.
- ۹- لا تصحّ قسمة الدين المشترك بين شريكين **على المشهور بل الحاصل منه لهما و الهالك منهما (مهم)**.
 مطابق نظر مشهور، **قسمت کردن دین مشترک میان دو شریک، صحیح نیست**، بلکه آنچه وصول می‌شود، به هر دو تعلق دارد و آنچه وصول نمی‌شود، از ملک هر دو خارج می‌شود.
- ۱۰- و يصحّ بيعه بحالّ و إن لم يقبض من المديون و غيره، **حالاً كان الدين ام مؤجلاً (مهم)**
بیع دین به ثمن نقد، صحیح است حتی اگر آنرا قبض نکند، خواه دین را به مدیون یا به دیگری بفروشد، یا زمان پرداخت دین فرا رسیده باشد یا مدت آن باقی باشد.
- ۱۱- و لا يصحّ بمؤجلّ لأنه **بيع دين بدین**.
 اما فروش **دین به ثمن مدت دار باطل است**، زیرا **مصدق بیع کالی به کالی خواهد بود. (خیلی مهم)**
- ۱۲- القرض بفتح القاف و كسرهما، وفضله عظیم. الدرهم منه بثمانية عشر درهما مع أن درهم الصدقة بعشرة
 قرض دادن ثواب زیادی دارد و در روایات آمده است که **ثواب یک درهم قرض دادن برابر هجده درهم است** با وجود اینکه ثواب **یک درهم صدقه برابر ده درهم است**.

و

و

و

و....

رهن

و
و
و
و....

حجر

و
و
و
و....

کفالت

و
و
و
و....

صلح

و
و
و
و....

شرکت

و
و
و
و....

مضاربه

و
و
و
و....

ودیعه

و
و
و
و...

عاریه

و
و
و
و...

گوشزد: نکات خلاصه سایر ابواب مانند متاجر، اجاره و... در جلد دوم آمده است.

۰۹۱۲۲۱۰۹۳۱۹-۰۲۱

بخش سوم:

لغات مهم و کاربردی

دین

طَحَنَ الحِنْطَةَ: آرد کردن گندم

و

و

و

و....

رهن

مُقَاصَه: طلبکار - مثال: **فیوخذ مقاصه عند جحود المديون الدين:** طلبکار می تواند در صورت انکار طلبکار، طلب خود را از این اموال بردارد.

مواطاه: تبانی

رهن مستعار: عاریه کردن برای آنکه چیزی را به رهن بگذارد - مثال: **لو استعار للرهن صح و يلزم بعقد الراهن و یضمن الراهن لو تلف او بیع:** اگر چیزی را برای آنکه به رهن بگذارد عاریه کنند؛ صحیح است و عباریه با عقد رهن لازم می شود و اگر عین مرهونه تلف یا فروخته شود اگر مثلی باشد رهن ضامن مثل و اگر قیمی باشد ضامن قیمت روز تلف آن است.

و

و

و

و....

حجراً

و

و

و

و....

ضمان

و

و

و

و....

حواله

و

و

و

و....

کفالت

و

^۱ - حجر از نظر لغوی به معنای منع است اما از نظر اصطلاحی عدم صلاحیت در تصرف اموال را گویند.

و

و

و....

صلح

و

و

و

و....

شرکت

و

و

و

و....

مضاربه

و

و

و

و....

ودیعه

و

و

و

و....

عاریه

و

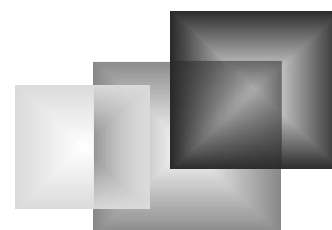
و

و

و....

گوشزد: لغات مهم سایر ابواب مانند متاجر، اجاره و... در جلد دوم آمده است.

بخش چهارم:
آزمونهای دکتری
(۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰)



حقوق خصوصی - آزمون دکتری - سراسری ۱۳۹۰

۱. لو القاء فی البحر فالتقمه الحوت فهو عمد...

(۱) اذا اتفق التقامه

(۲) اذا قصد القام الحوت

(۳) اذا قصد القائه فی البحر

(۴) لان القاء كاف فی الضمان

گزینه ۲ صحیح است. مطابق متن تحریر الروضه: او القاء فی البحر فالتقمه اذا قصد إلقاء الحوت أو كان وجوده و التقامه غالباً فی ذلك الماء و ان لم يقصد القامه و لا کن غالباً فانفق ذلك ضمنه ایضاً علی قول لان الإلقاء كاف فی الضمان، و فعل الحوت آمر زائد علیه: اگر کسی فردی را در دریا افکند و ماهی او را بخورد؛ قتل عمدی خواهد بود در صورتی که قصد کرده باشد ماهی او را بخورد. یا اینکه وجود ماهی و خوردن فرد انداخته شده در آنجا اغلب اتفاق افتد. در صورتی که قصد خورده شدن وی را نکرده باشد و همچنین خورده شده توسط ماهی در آنجا امر متعارض نباشد بلکه نادر باشد؛ چون صرف انداختن دیگری در دریا کافی برای مسئول دانستن وی است و فعل ماهی یک امر زیادی نسبت به انداختن است. (که در تحقق قتل عمدی دخالت ندارد).

و

و

و

و

و

و....

حقوق خصوصی - آزمون دکتری - سراسری ۱۳۹۱

و

و

و....

حقوق خصوصی - آزمون دکتری - سراسری ۱۳۹۲

و

و

و....

حقوق خصوصی-آزمون دکتری- سراسری ۱۳۹۴

و

و

....و

حقوق خصوصی-آزمون دکتری- سراسری ۱۳۹۵

و

و

....و

حقوق خصوصی-آزمون دکتری- سراسری ۱۳۹۶

و

و

....و

حقوق خصوصی-آزمون دکتری- سراسری ۱۳۹۷

و

و

....و

حقوق خصوصی-آزمون دکتری- سراسری ۱۳۹۸

و

و

....و

حقوق خصوصی - آزمون دکتری - سراسری ۱۳۹۹

۲. از متن زیر کدام مورد استفاده می‌شود؟

«يجوز إسقاط المنفعة المطلقة المتعلقة بالذمة و ان لم يستحق المطالبة بها، و كذا الاجرة يصح إسقاطها إن تعلق بالذمة، لا إن كانت عيناً»

(۱) مستاجر می‌تواند ذمه اجیر را نسبت به عمل کلی ابراء کند.

(۲) مستاجر می‌تواند ذمه موجر را نسبت به منفعت خانه مورد اجاره ابراء کند.

(۳) اجیر می‌تواند ذمه موجر را در مورد گرفتن عینی که به عنوان اجرت تعیین شده ابراء کند.

(۴) اجیر می‌تواند حق خود را در مورد گرفتن عینی که به عنوان اجرت تعیین شده اسقاط کند.

گزینه ۱ صحیح است. لَا يَجُوزُ إِسْقَاطُ الْمَنْفَعَةِ الْمُعَيَّنَةِ أَيُّ الْإِبْرَاءِ مِنْهَا سِوَاءَ كَانَتْ بِاللَّفْظِ الْإِسْقَاطِ أَمْ الْإِبْرَاءِ أَمْ غَيْرِهِمَا مِنَ الْأَلْفَافِ الدَّلَالَةِ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ عِبَارَةٌ عَنِ إِسْقَاطِ مَا فِي الذَّمِّ فَلَا يَتَعَلَّقُ بِالْأَعْيَانِ وَلَا بِالْمَنَافِعِ: اسقاط منفعت در صورتی که معین باشد (توسط مستاجر) صحیح نیست. {بنابراین می‌تواند مستاجر ذمه مستاجر را نسبت به عمل کلی ابراء کند.} منظور از ساقط کردن، ابراء از منفعت است [یعنی منفعت از ملک مستاجر خارج گردد به طوری که حق مطالبه آن را نداشته باشد اما اجرت را بپردازد بدون آن که منفعتی ببرد]؛ خواه با لفظ «ساقط کردم» باشد، و خواه با لفظ «ابراء کردم»، و خواه با سایر الفاظی که بر ابراء دلالت دارد؛ زیرا ابراء عبارت است از ساقط کردن حقی که [کلی بوده و] در ذمه شخص دیگری است، بنابراین ابراء به عین خارجی و نیز به منافی که به عین خارجی مربوط می‌شود، تعلق نمی‌گیرد.

منبع: متون فقه پیشرفته/ انتشارات عدلیه/ جلد دوم/ باب اجاره/ بخش مسائل/ صفحات ۶۴ و ۶۵

گوشزد: این سؤال استنباطی است و دقت داوطلب در معرض آزمایش قرار گرفته است.

و

و

و

و

و....

حقوق خصوصی - آزمون دکتری - سراسری ۱۴۰۰

و

و

و

و....